

# قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس  
که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست  
سنگ و گل را کند از یمن نظر لعل و عقیق  
هر که قدر نفس باد یمانی دانست  
حافظ

با نویسنده مقاله تماس گرفتیم و خواستیم در این باره، یعنی علت این نام‌گذاری را بیشتر توضیح دهد. او دعوت ما را به گرمی پذیرفت و با قلمی شیوا یادداشتی تنظیم کرد و فرستاد. این است آن یادداشت: کتاب زیست‌شناسی سال دوم دبیرستان (نظام قدیم) را بسیار دوست داشتیم، چون پر بود از مفاهیم پایه علم رده‌بندی موجودات زنده و تنوع‌زیستی. کتاب زیست‌شناسی سال دوم دبیرستان (نظام قدیم) بی‌گمان دوست‌داشتنی‌ترین کتاب همه دوران تحصیل بوده است. شاید به همین علت است که پس از ۱۷ سال، هنوز هم آن را در کتابخانه‌ام نگه داشته‌ام. نگارندگان کتاب که به زیبایی هرچه تمام‌تر، نگاهی خلاصه، اما دقیق به رده‌های مختلف موجودات زنده انداخته‌اند و توانسته‌اند با نشان دادن این همه تنوع در دنیای زنده، ذهن مرا به وجد آورند.

معلم زیست‌شناسی ما در آن شهر کوچک کوبیری، «ابراهیم سمندوک» نام داشت. او خود عاشق زیست‌شناسی و آموزش آن بود

در یکی از شماره‌های نشریه Zootaxa<sup>۱</sup> مقاله‌ای جالب<sup>۲</sup> دیدم که ترجمه عنوان آن چنین بود: «مروری بر گونه Lithostege Hubner از ایران و کشورهای همسایه، با توصیف دو گونه جدید از ایران و پاکستان<sup>۳</sup>». آن چه در این مقاله جلب توجه می‌کرد و برای معرفی در این جا مناسب می‌نمود، نه فقط شرح کشف و توصیف گونه‌های جدیدی از پروانه‌های در ایران، بلکه ذکر نام یک معلم زیست‌شناسی ایرانی در لابه‌لای نوشته‌های این مقاله بود.

این مقاله در واقع به دو گونه جدید، از جمله گونه‌های به نام *Lithostege samandooki* اختصاص داشت و نویسندگان مقاله علت انتخاب این نام برای این گونه را چنین توضیح داده بودند: «نام این گونه به ابراهیم سمندوک پیشکش شده است که معلم زیست‌شناسی (دبیرستان) نویسنده اول این مقاله بوده است (۱۹۹۷-۱۹۹۳). این معلم هنوز در تایباد، از استان خراسان ایران فعالانه به آموزش زیست‌شناسی مشغول است<sup>۴</sup>».



و این همه را می‌شد از برق نگاه‌های نافذش، کلام گرمش و طرح‌های زیبای رنگی‌اش بر تخته سیاه کلاس، فهمید. آن معلم و آن کتاب، در آن زمان مرا شیفته تنوع زیستی و علم سیستماتیک کردند. آن روز را هرگز از یاد نمی‌برم: سمندوک برایمان از شمار گونه‌های زنده و از اهمیت کشف گونه‌های جدید گفت. گفت که شناخت تنوع زیستی قدم اول در راه حفاظت از ذخایر ژنتیک است. او از اهمیت تحقیقات تاکسونومیست‌ها در زیست‌شناسی گفت و افزود که ۱/۵ میلیون گونه شناخته شده فقط بخش کوچکی از گونه‌های موجود بر کره زمین‌اند و بسا ده‌ها برابر این رقم هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند. او همه این‌ها را گفت و در پی آن ذهن نوجوان من پرسش آغاز کرد...

خوب یادم هست که در واکنش به تعجب من از این که هنوز هم گونه‌های ناشناخته‌ای وجود دارند، گفت: «... شاید شما هم روزی بتوانید گونه‌ای جدید کشف کنید. آن وقت افتخار نام‌گذاری آن را نیز خواهید داشت و به این ترتیب نام شما به عنوان کاشف یک گونه جدید در تاریخ علم به ثبت خواهد رسید». ... و این پاسخ رویای ناتمام بسیاری از روزهای نوجوانی من شد.

اکنون ۱۷ سال از آن روزها می‌گذرد. بذری که سمندوک در دل آن نوجوان کاشت، اکنون به بار نشسته است. آن دانش‌آموز که آن روز عاشق و شیفته علم رده‌بندی شد، اکنون همه زندگی‌اش را وقف تنوع زیستی و مطالعه شب‌پره‌ها کرده و شادمان است که در آن روزها کسی بود که درس عاشقی به او بدهد. اکنون آرزوی آن روز سمندوک به بار نشسته و این دانش‌آموز قدیمی یکی از گونه‌هایی را که کشف کرده، به افتخار این معلم زیست‌شناسی‌اش به نام «ابراهیم سمندوک» نام‌گذاری کرده است.

نام و توصیف علمی این شب‌پره جدید بهانه‌ای است برای قدردانی یک شاگرد از یک معلم دوست‌داشتنی. هدیه‌ای است به آن معلم و به همه معلمان بزرگوار ایران زمین که به شاگردان‌شان درس عشق می‌دهند؛ به آنان که باور دارند که شاید در یکی از همین روزها چشمانی از شنیدن کلام نافذشان برق بزند و می‌دانند که آن برق نگاه نشانه یافتن راه است. باشد که تا توصیف و نام‌گذاری این گونه، نام معلمان دوست‌داشتنی را همان‌طور که در دل شاگردانشان جاودانه است، در تاریخ علم نیز جاودانه کند.

حسین رجایی

دانشجوی دکترای جانورشناسی و تنوع زیستی

دانشگاه بن، آلمان

۱۲ نوامبر ۲۰۱۱

با خواندن این یادداشت به یاد موضوعی افتادم. البته درست یادم نیست چه کسی بود و چه موقع؛ فقط یادم است که یکی از زیست‌شناسان بزرگ جهان بود. از او پرسیدند چگونه به زیست‌شناسی علاقه‌مند شده است که او در پاسخ این سخنان را بر زبان راند: «... من در کودکی علاقه‌ای به زیست‌شناسی نداشتم؛ تا این که یک روز برادرم در حالی که قورباغه‌ای در دست داشت، وارد شد و پیشنهاد کرد که آن جانور را با هم تشریح کنیم. وقتی شکم آن را برش دادیم، از مشاهده اندام‌های داخلی بدن که با نظم و ترتیب خاصی در کنار هم چیده شده بودند، قلبی که در حال تپش بود و شش‌هایی که مرتب پر و خالی می‌شدند، شگفت‌زده شدم. در همان لحظه تصمیم گرفتم زیست‌شناس شوم...».

گاه یک نگاه، یک برخورد، یا یک اشاره کافی است تا مسیر زندگی را تغییر دهد، مشروط به آن که قبلاً زمینه‌های لازم کسب شده باشند. گاه یک جمله معلم کافی است تا دانش‌آموزی را تا ابد شیفته موضوعی کند، یا به‌عکس متنفر سازد.

روزهای طولانی تابستانی خوشی را برای شما آرزومندیم.  
سردبیر

**نام و توصیف علمی این شب‌پره جدید بهانه‌ای است برای قدردانی یک شاگرد از یک معلم دوست‌داشتنی. هدیه‌ای است به آن معلم و به همه معلمان بزرگوار ایران زمین که به شاگردان‌شان درس عشق می‌دهند؛ به آنان که باور دارند که شاید در یکی از همین روزها چشمانی از شنیدن کلام نافذشان برق بزند و می‌دانند که آن برق نگاه نشانه یافتن راه است**



پی‌نوشت

1. Zootaxa 3105:1- 46 (2011)
2. Rajaci, H., Stuenning, D. & Viidalepp, J., 2011, A review of the species of Lithostege Hubner, [1825] 1816 (Lepidoptera: Geometridae, Larentiinae), occurring in Iran and adjacent countries, with description of two new species from Iran and Pakistan. ZOOTAXA. 3105: 1-46
3. A review of the species of Lithostege Hubner, [1825] 1816 (Lepidoptera: Geometridae, Larentiinae), occurring in Iran and adjacent countries, with description of two new species from Iran and Pakistan.
4. Etymology. The name of this species is dedicated to Ebrahim Samandook, teacher of biology (at high school) of the first author (1993- 1997). He is still active in teaching biology in Taybad, Khorasan- Iran.